

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی-پژوهشی

سال هشتم-شماره اول-بهار ۱۳۹۴-شماره پیاپی ۲۷

بررسی محتوایی و سبکی نسخه خطی «حلال مطرز در فن معما و لغز»

(ص ۱۲۸-۱۱۳)

هادی شمیل پور (نویسنده مسئول) ،^۱ فاطمه کوپا ،^۲ علی محمد پشت دار ،^۳ نرگس

محمدی بدر^۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده:

نسخه خطی «حلال مطرز در فن معما و لغز» اثر شاعر و مورخ مشهور نیمه دوم قرن هشتم، شرف الدین علی یزدی است که به تعریف و توضیح اصطلاحات دانش معما و لغز میپردازد. وی این کتاب را میان سالهای ۸۲۸ و ۸۳۲ ه. ق به نام ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تیموری نوشته است. متن کتاب مشتمل بر یک دیباچه، دو اصل و پنج حله است. هدف اصلی این پژوهش آن بوده است که با استعانت از شیوه «تحلیل محتوا» ضمن تأمل مختصات اثر، شگردهای بیانی و ادبی اثر، مورد بررسی قرار گیرد و در پایان به سوال اصلی پژوهش: «سبک ادبی و شیوه های ویژه شرف الدین در چه مواردی خلاصه میشده است؟» پاسخ داده شود. نتایج نهایی پژوهش بر تنوع در نگارش متن، استفاده از نثری ساده و استوار در شرح مفاهیم و اصطلاحات، ارجاع مکرر به آیات و احادیث، اصطلاحات دانش معما و لغز، توضیح مفاهیم عرفانی و حساسی و موسیقی صحنه میگذارد.

کلمات کلیدی: بررسی محتوایی، نسخه خطی، حلال مطرز در فن معما و لغز، ویژگیهای ادبی و سبکی

۱. دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور hadi0shomeylpoor100@gmail.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۳. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

۴. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور

مقدمه :

« تا کی در برابر هر فقره نثرش بدرسرای شرف الدین علی یزدی بکدیه روم و تا چند در عوض هر بیت مثنویش بخانه شیخ گنجه بدریوزه دوم ؟ » (سبک شناسی ، بهار ، ج ۳ ، ۱۹۴ و ۱۹۵ به نقل از حکیم رکنای کاشی ، ملک الشعرا دربار شاه عباس اول).

« **حلال مطرز در دانش معما و لغز** » پرآوازه ترین کتاب در دانش معما است (بدایع الافکار فی صنایع الاشعار ، کاشفی سبزواری ، به نقل از کزازی ، ص ۲۸۰) که به خامه توانای « محیی نثر فنی » (سبک شناسی ، بهار ، ج ۳ ، ۱۹۳) **شرف الدین علی یزدی** شاعر، منشی، منجم ، موسیقی شناس، ریاضیدان و مورخ بزرگ نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم در کسوت لالی نثر به منصفه الفاظ و به جلوگاه عبارت و استعارت درآمده است.

ضرورت تحقیق:

با عنایت به این که کتاب " حلال مطرز " تاکنون تصحیح نشده ، قطعاً معرفی آن میتواند باعث شناساندن یکی دیگر از مفاخر ادبی ما در قرن نهم هجری گردد همچنین با توجه به اینکه درباره مختصات آن بررسی های سبکی و محتوایی در کتب سبک شناسی و تاریخ ادبیات اطلاعاتی ارائه نشده است ، نیز با عنایت به جایگاه والای شرف الدین علی یزدی که در کتب سبک شناسی محیی نثر فنی معرفی شده ، نگارنده به معرفی کتاب و بررسی سبکی و محتوایی آن پرداخت.

پیشینه تحقیق:

نگارنده با جستجوی بانکهای اطلاعاتی و کسب اطلاع از اساتید دریافت که کار مستقلی درباره حلال مطرز در فن معما و لغز انجام نشده و اغلب کتب سبک شناسی ، تاریخ ادبیات و تذکره ها تنها به ذکر عنوان کتاب و موضوع ظاهری آن پرداخته اند. بنابراین در این مقاله با بررسی متن این کتاب به بیان ابعاد محتوایی و سبکی آن پرداخته میشود. این کتاب مشتمل بر **یک دیباچه** ، **دو اصل و پنج حله** ، است. دیباچه کتاب با مقدمه ای مسجع ، منشیانه و براءت استهلالی زیبا که تناسبی هنرمندانه با موضوع اصلی کتاب دارد، آغاز میشود و در طی آن به ستایش خداوند و رسول مکرم اسلام (ص) میپردازد : « بعد از تیمن و اعتصام به نام خجسته فرجام علامی که نوآموز مکتب تعلیمش چون در محفل ملاً اعلی حل معما کرده باقامت انباء اسماء قیام نمود، کهن عابدان صوامع قدس که دم از : نحن نسبح بحمدک و نقدس لک می زدند، به سجود او مبادرت جستند :

از پی آن نو به وجود آمده فوج ملایک به سجود آمده
و پس از توسل و تشفع به ذکر بزرگواری که اسم همایون آثارش که زیور کتابه عرش مجید است چون
با اسم ذی العرش در کلمه توحید الیف و ردیف آمد سر الغاز اعجاز عیسوی که از میامن بشارت : و
مبشرا برسول یاتی من بعده اسمه احمد مرده به دم زنده گردانید ، بر هوشمندان رمزدان لغزگشای
روشن و هویدا گشت. » (نسخه مر ۱ : ۱).

شرف الدین در ادامه با عباراتی موزون **انگیزه** خود را از تالیف کتاب عنوان میکند: «نموده میشود که باعث بر تحریر این سطور و تسطیر این زبور داعیه تدوین معماست و تبیین قواعد و ضوابط آن و محرک سلسله این داعیه، اطلاع بر مناسبتی شد که این نوع سخن را با کلام کامل اهل کمال ثابت است چه مبداء فضل معما و خصوصیت امتیازی او که به آن ممتاز گشته از سایر اقسام شعر دلالت کردن است بر اسمی از اسامی و وجه این دلالت منحصر نیست در آنکه به حسب اوضاع جعلی و تخصیصات عرفی باشد بلکه هر چه از الفاظ و حروف آن استخراج توان نمود به وجهی از وجوه که طباع مستقیمه به صحت آن گواهی دهد و اذواق سلیمه از قبول آن ابا نمودند شاید که مطمح نظر اعتبار گردد خواه که طریق استنباط آن مستند به وضع جعلی متعارف باشد و خواه مبتنی بر اوضاع ذاتی و احوال اصلی حروف بود از تشکلات رقمی و معانی عددی و نظایر آن و اصل این زبان آن است که سخن به نوعی ادا کرده شود که آن را به حسب ظاهر مفهومی باشد که خاص و عام در ادراک آن متشاکر باشند و ذکی و غبی از فهم آن محظوظ و بهره مند و ورای آن مقاصد خفیه را متضمن بود که زیرکان به غور آن رسند و واقفان لسان رمز و اشارت آن را دریابند.» (نسخه مر ۱: ۱). وی بهانه شروع به این اثر را اینگونه بیان میکند: «... و آن داعیه پیوسته سمیر ضمیر می بود تا در تاریخی که **النصر من عند الله العلیم** بلسان عدد افصح از آن میکند رایت فرقد فرسای کشورگشای ... از دارالملک شیراز ... متوجه آذربایجان شد و نگارنده این تصویر از لطایف تقدیر بسعادت انحرط در سلک ملازمان موکب گیتی ستان سرافراز گشت ... بعد از فتح و تسخیر آن دیار و بلاد و قلع و قمع زمره عناد و فساد فوجی از عساکر گردون مآثر به مراجعت و معاودت به دارالملک شیراز مأدون گشتند و این فقیر حقیر بسبب ضعف بنیه و عجزی که داشت داخل ایشان شد و چون دیده امید از زور غبار موکب ظفر قرین محروم و بی بهره ماند نیران اسف و اندوه بنوعی اشتعال یافت که تسکین بهیچ وجهی صورت نمی بست تا خاطر شکسته از بهر دفع سآمت و ملال خود را بامضاء عزم مذکور مشغول ساخت.» (نسخه مر ۱: ۷).

دیباچه کتاب با بیان اقبال و توجه گسترده به نوع ادبی «**معما**» ادامه داده میشود: «مگر در این عهد همایون و لله الحمد که سطوع صبح روز موعود آفاق جان و جنان بیداران آگاه را منور گردانیده و بسی از مقدمات و اصول آن علم شریف ظاهر گشته و آنچه حوصله زمان حاضر گنجایش اظهار آن دارد صورت ضبط و تدوین یافته و می یابد... و در این نظم منخرط است آنکه معما را از میان سایر اقسام اشعار باهالی این روزگار فرخنده آثار مزید اختصاصی هست چه صاحبان مزیت سخندانی و متمتعان ریاض نزهت آباد الفاظ و معانی که ازهار و اثمار ظرایف لطایف از بساتین دواوبین متقدمان و متأخران به وسایل انامل تتبع و تصفح اقتطاف و اجتنان نموده باشند به یقین دانند که معما در هیچ عهد و اوان به لطافت و خوبی و سلاست و نازکی اهل این زمان نگفته اند و تا راقم این حروف از این معانی وقوف یافته احیانا به خاطر فاتر میگذشت که معمیات را تتبع و استقرا نموده قواعد آن را به

تحت ضبط درآورد و ضوابط و قوانین آن را کسوت تالیف و تدوین بیوشاند.» (نسخه مر ۷: ۱) وی در ادامه قصد باطنی خود را از تالیف این کتاب عنوان می‌کند: «به اندیشه آنکه چون طباع اهل زمان را مزید میلی به این نوع سخن هست شاید که بعضی از اصول حقایق و معارف در آن اثنا باز توان نمود:

کز پی تعلیم کتاب عزیز طفل فریبنده به جـوز و مـویز
و نکته ای چند از خصوصیات نوباوه وقت به بهانه آن سخنان خطابی به سمع قابلیت طالبان توان
رسانیدکه امثال آن از ممارست برهانیت و احتمال اعبای آن حاصل نگردد.» (مر ۱: ۷).

اصول و حله‌های این کتاب به ترتیب زیر است: **اصل اول**: در بیان صور حروف و مجالی بروز و ظهور آن. **اصل دوم**: در تبیین معنی دلالت و اشارت به بعضی از وجوه و طرق آن در پنج حله. **حله اول**: شرح ماهیت معما و لغز و ذکر اقسام و احکام آن، **حله دوم** را به: نمایش و آرایش و جوهی که تعلق به تکمیل صورت اسم داشته باشد، **حله سوم** را به: بیان تحصیل ماده حرفی به حسب صورت کلامی که اشهر و اظهر صور حرفی است، **حله چهارم** را به: در بیان مقصد به حسب صورت کتابی و **حله پنجم** را به: در تبیین قواعدی که مبتنی بر صورت معنوی عددی حروف اختصاص داده و امهات مباحث هر یک از حلال پنجگانه را با لفظ "طرز" معنون گردانده است.

وی با صراحت **عنوان کتاب** را ذکر نموده: «و چون اصول ابواب کتاب معنون به **حله و طراز بود**، به **حلال مطرز در فن معما و لغز موسوم گشت**.» (مر ۴۸: ۱)

شرف الدین به این نکته تصریح می‌کند که اکثر معنیات این کتاب تراوش ذهنی اوست و پاره ای از آن‌ها ارتجالا سروده شده اند: «و چون معنیات و الغاز که به اندیشه تحریر این رساله در هر وقت جمع کرده می‌شد آنچه احیانا از خاطر فاتر سر بر می‌زد و به آن انضمام می‌یافت مجموع در اثنای بعضی اسفار عرضه ضیاع گشت در ایراد امثله به شکسته بسته ای خاصه که هنگام احتیاج به یاد آید با قریحه خامده بر سیل ارتجال به نظم آن مسامحه نماید اکتفا خواهد رفت.» (مر ۱: ۴۷). شرف الدین در ادامه با نثری شیوا، روشن و سلیس مباحث مختلفی از جمله: فلسفی، عرفانی، حروفی، بیانی، بدیعی، حسابی موسیقی را، توضیح و کتاب را به آن خاتمه میدهد.

زندگی و آثار شرف الدین علی یزدی:

شرف الدین علی بن شمس الدین علی یزدی ملقب و معروف به (مخدوم) و متخلص به (شرف) از جمله شاعران و منشیان و مورخان و علمای مشهور نیمه دوم قرن هشتم و نیمه اول قرن نهم هجری است. وی از خاندان معروفی در یزد برخاسته بود و خود بسبب مقام معنوی، عزت و احترام بسیار نزد معارف آن دیار داشت.

شرف الدین از رجالی است که عهد آل مظفر و دوران تیموری هر دو را درک کرده و در هر دو دستگاه پادشاهی حرمت و اعتبار داشته و نزد شاهان و شاهزادگان و رجال متنقد عهد خود، همواره معزز و

مکرم بوده است. پدرش شمس الدین علی از رجال قدیم درگاه آل مظفر و مردی عالم و شاعر بوده است. (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ۴: ۳۰۰-۲۹۹).

نسبش برابر اشاره ای که در یکی از اشعارش دارد به خاندان طهارت (علیهم السلام) میرسد و در بعضی از اشعارش تمایل به تشیع و حتی اعتقاد به این مذهب دیده میشود. وی جوانی را در کسب علوم گذرانید و این معنی هم از اطلاعات وسیع ادبی او که در آثارش ملاحظه میکنیم و هم از تنوع مؤلفاتش در مسائل علمی و ادبی بنیکی آشکار است. چون با تسلط قطعی تیمور بر سراسر ایران، بساط نیمه گسترده آل مظفر بکلی برچیده شد، شرف الدین آهنگ خدمت سران تیموری کرد و از مقربان و ندمای خاص مغیث الدین ابوالفتح میرزا ابراهیم سلطان، فرمانروای فارس، پسر شاهرخ، گردید (همان: ۳۰۱-۳۰۰). وفات وی را به سال ۸۵۸ نوشته اند. (همان: ۳۰۴).

آثار شرف الدین علی یزدی:

شرف الدین در اکثر علوم عهد خود دست داشت و از این روی تالیفات متنوعی از او ذکر کرده اند و از آنهاست: شرح قصیده برده شرف الدین بوصیری، کنه المراد فی علم وفق الاعداد در ارثماتیقی، رساله حساب عقد انامل، حقایق التهلیل، کتاب اسطرلاب، منشآت، تضعیف خانه شطرنج از ابواسحاق کوبنانی، منتخب الحلال المطرز فی المعمی و اللغز. (همان: ۴۸۳). برخی علاوه بر آثار فوق، کتاب شامل، رساله شهودیه، تاریخ جهانگیر، دیوان اشعار، منظومات و حلال المطرز را نیز از وی معرفی کرده اند. (مقدمه ظفرنامه، شرف الدین علی یزدی، تصحیح نوایی، میرمحمدصادق، ج ۱، سی و هفت تا چهل و چهار). مرحوم استاد ایرج افشار تحفه الفقیر و هدیه الحقییر و فتوحات صاحبقرانی را نیز ضمن آثار شرف الدین علی، ذکر نموده و شرح اسماء الله و مناظر در معما (مواطن) را به نقل از عصام الدین اورنبایف منسوب به وی دانسته اند. (منظومات شرف الدین علی یزدی، افشار، ۹ و ۸).

تأملی بر جایگاه ادبی و علمی: «شرف الدین علی یزدی»

از مطالعه و امعان نظر در حلال مطرز چنین برمی آید که شرف الدین شخصیتی فاضل، متبحر، مسلط بر زبان فارسی و عربی، و دایره المعارفی بود که در دانش های مختلف و متداول آن زمان از جمله: نجوم، موسیقی، جفر، علم اعداد، نامه نگاری، شعر، دبیری، حساب، انگشت شماری (عقد انامل)، شطرنج، شرح اشعار از جمله: قصیده برده (در مدح رسول اکرم ص) و مخصوصا تاریخ نگاری و دانش معما و لغز شهره بود و بسیار مهارت داشت. تنها اظهار نظر بخشی از بزرگان مانند: جامی، امیر علیشیر نوایی، تقی الدین محمد بن محمد اوحدی بلیانی، نصرآبادی، امین احمد رازی، حکیم رکنی، کمال الدین حسین بن معین الدین میبیدی، دولت شاه سمرقندی، غیاث الدین خواند میر، محمد مفید مستوفی، احمد بن حسین بن علی کاتب یزدی، رضا قلیخان هدایت، واله داغستانی، میرزا محمد

حیدر دوغلات، کمال الدین حسین گازرگاهی می‌تواند سندی روشن و شاهدی بر جایگاه والای علمی وی نزد همعصران و متأخران باشد.

کاربرد استادانه و فراوان آیات، احادیث، امثال، طرح و بیان اصطلاحات مختلف علوم از جمله: معما و لغز، حساب جمل، خواص اعداد، بحث‌های بلاغی، و استشهاد او به اشعار امام علی (ع) و شاعران فارسی سرای و عربی گوی مانند: انوری، نظامی، اوحدی مراغه‌ای، کمال الدین اسماعیل اصفهانی، عراقی، فردوسی، بدرالدین چاچی، شمس الدین طبسی، ابن یمین، زمخشری، صائن الدین علی ترکه اصفهانی، امامی هروی، مولانا قطب الدین شیرازی، حافظ، سعدی، خواجوی کرمانی، منتبّی، ابن عربی، بوصیری، صاحب قصیده مشهور برده، دال بر وسعت دانش وی می‌تواند باشد. اکنون به پاره‌ای از داوری معاصران و پسینیان شرف الدین علی راجع به وی می‌پردازیم:

الف: جامی: وی که در نگارش کتاب خود - حلیه حلل - پیرو شرف الدین علی یزدی است، درباره حلل مطرّز و شرف الدین چنین می‌گوید: «چون منشی این نامه نامی عبدالرحمان بن احمد الجامی ... بشرف مطالعه حلل مطرّز و منتخب آن که در فن معما و لغز رقم زده قلم لطایف نگار بدایع آثار مدون این صنعت و مروج این بضاعت، قدوة ارباب دانش ... شرف المله و الدین علی الیزدی ... مشرف گشت، الحق هر یک از آن دو بکر حجله نشین فکر را چو حوری یافت». (حلیه حلل، جامی، ۱)

ب: در کتاب تذکره مجالس النفاّس امیر علیشیر نوایی از شرف الدین اینگونه یاد شده است:

«صاحب کمالی مولانا پیش اهل عالم مسلم است... و فن معما را او تدوین کرد... مولانا در باب همت و کرم از تعریف مستغنی بوده است». (تذکره مجالس النفاّس، امیرعلیشیرنوایی، ص ۲۵)

ج: دولت‌شاه سمرقندی ذیل عنوان «ذکر قدوه الفضلاء و زبده العرفاء مولانا شرف الدین علی یزدی رحمه الله علیه مینویسد: «... فضیلت او از شرح مستغنی است در فنون علم مشارالیه بوده است و با وجود فضل و علم از مشرب فقر با نصیب است و در تهذیب اخلاق و صفای ظاهر و باطن زینت یافته و بسی با عارفان و محققان صحبت داشته و استفاده نموده و مؤلفات او در اکثر علوم مشهور است خصوصاً در علم معما که در این طریق صاحب فن است». (تذکره الشعراء، دولت‌شاه سمرقندی، ۳۷۸)

د: نصرآبادی در تذکره خود از وی چنین یاد می‌کند: «ملا شرف الدین از ولایت یزد است. از جمیع علوم بهره وافیه برده و آب حیات معانی از چشمه فیوضات ربانی خورده در ترتیب نظم و نثر کمال

قدرت داشته چنانچه ظفرنامه و حلم مطرز و کنه المراد شاهدهی است در این معنی. غرض که کمالات او محتاج به اظهار نیست». (تذکره نصرآبادی، محمد طاهر نصرآبادی، ج ۲، ص ۷۱۶).

ه: **امین احمد رازی در هفت اقلیم خود** اینگونه نگاهی به شرف دارد:

«در عصر خود اشرف فضلالی ایران و الطف علمای دوران بوده

روشن بیان و تیز زبان و بلندقدر مجلس فرروز و انجمن آرای و سرفراز و او همیشه به قلم لطایف رقم مولفات بدایع آثار بر صحیفه روزگار تحریر می نموده از آن جمله یکی کتاب بلاغت ایاب ظفرنامه است که در فن تاریخ به لطافت آن در فارسی نسخه ای مکتوب نگشته و آن کتاب به وسیله اهتمام میرزا ابراهیم سلطان بن میرزا شاهرخ در شهور سنه ثمان و عشرین و ثمان و مائه ۸۲۸ به اتمام رسیده چنانچه کلام **صنف فی شیراز** حساب جمل از آن سال خبر می دهد. و حلم مطرز و منتخب آن در فن معما و لغز و شرح قصیده برده و کنه المراد در علم وفق اعداد از جمله نتایج بلاغت نظام اوست. و او را اشعار آبدار از قسم مثنوی و غزل و رباعی بسیار است». (تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی ج ۱، ۱۴۶ و ۱۴۵).

و: **خواند میر** صاحب **حبیب السیر** درباره او میگوید: «به کمال دانش و سخنوری علم گشته ... و عقود منثوراتش کأمثال اللؤلؤ المکنون فرح بخش خاطر... حلم مطرز و منتخب آن در فن معما و لغز و ... از جمله نتایج و اقلام بلاغت نظام آن فاضل عالی مقام است». (تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، خواند میر، ج ۴، ۱۶ و ۱۵).

ز: محمد مفید مستوفی صاحب **جامع مفیدی** درباره وی می گوید: «جناب اشرف الفضلاء و المحققین جامع کمالات صوری و معنوی مولانا شرف الدین علی الیزدی، آن حضرت به کمال دانش و سخنوری علم گشته». (جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، ج ۳، ۲۹۹)

ح: صاحب کتاب **تاریخ جدید یزد** اینگونه با احترام از وی یاد می کند: «جناب فضائل مآب مخدوم و مولانای اعظم افتخار العلماء العرب و العجم، صاحب اللطف و الكرم و الجود والنعم شرف المله و الدین علی یزدی» (تاریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، ۲۴۱)

ط: **رضا قلیخان هدایت** درباره وی چنین آورده: «و هو مولانا شرف الدین علی، در همه فنون کمالات قصب السبق از همگنان ربودی و مصاحب سلاطین گورکانیه بودی. احوال خجسته مآلش در تواریخ مسطور و تصانیفش بین المورخین مشهور. حسب الخواش شاهرخ میرزا تاریخ ظفرنامه تالیف فرموده. غرض، در طریقت مرید سلطان حسین اخلاطی است. کتاب کنه المراد و حلم حقایق التهلیل و مواطن و شرح قصیده برده از آن جناب است» (تذکره ریاض العارفین، رضا قلیخان هدایت، ۴۳۷ و ۴۳۶).

ی: **ریاض الشعراء** داغستانی درباره وی چنین گفته است: «شرح فضیلت و بزرگواری وی در این مختصرات نمیگنجد. رفعت شأنش از آن گذشته که محتاج به تعریف باشد. در کتب تواریخ مبسوط و

از تصانیف عالی‌ه اش ظاهر است اگرچه تاریخ نوشتن دین مرتبه مولاناست لیکن بنا بر مبالغه شاهرخ میرزا تاریخ ظفرنامه _ که در سلاست و پختگی و عذوبت و شکستگی الفاظ و قوت تحریر و صفای تقریر و صدق مقال ناسخ جمیع کتب تواریخ است ریخته کلک گوهر سلک اوست و مولانا از مصاحبان خاص امیر تیمور صاحبقران بوده و امیر صاحبقران رعایت شأن مولانا بسیار می فرموده است. در تاریخ هشتصد و پنجاه و هشت از عالم رفته، قبرش در دارالعباده یزد است». (تذکره ریاض الشعرا، علیقلی واله داغستانی، ج ۲، ۱۰۶۳ و ۱۰۶۲).

ک: در کتاب **مجالس العشاق** کمال الدین حسین گازرگاهی درباره وی چنین آمده است: «مطلع انوار جلی، مولانا شرف الدین علی در علوم ظاهری و باطنی مهارتی تمام داشته و مصنفات دارد در غایت خوبی و معانی خاص در آن رسایل بسیار است که به خاطر کسی نرسیده. از جمله رسائل او "کنه المراد" است و "حلل" و "حقایق التهلیل" و "مواطن" و "شرح قصیده برده" و اشعار آبدار به طریق شعر حافظ دارد. دایم عاشق پیشه بودند و در آن عالم غزل ها دارد. در تاریخ هشتصد و پنجاه و هشت از عالم رفت و مرقد منورش در دارالعباده یزد است». (مجالس العشاق، امیر کمال الدین حسین گازرگاهی، ۲۳۵ و ۲۳۴).

ویژگیهای سبکی حلال مطرز در فن معما و لغز:

شرف الدین به تأسی از اسالیب حاکم بر شیوه نگارش نثر در دوره خود از هر دو شیوه مصنوع و مرسل استفاده میکند. از نثر مصنوع بدلیل اینکه «در این دوره نثر فارسی، در پی ایجاد مناسبات لفظی بطرق مختلف میگردد و برای رسیدن به این هدف، در صنایع بدیعی از قبیل: انواع جناس، ترصیع، ترادف، سجع و غیره تفتن میکند» (گزیده ای از نثرهای مصنوع و مزین، حاکمی، ۳) و از نثر مرسل بدلیل اینکه «در این نوع نثر نویسنده مقاصد خود را در کمال بی پیرایگی می انگارد. نثر ساده مجموعه ای از عبارات ساده و آسان است که مراد از نگارش آن آموختن پیشه ای و علمی است این نوع نثر با سخنان ساده عادی تفاوتی ندارد.» (انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو، ۱۵۳ و ۱۵۴). بنا بر این نثر شرف الدین علی در حلال مطرز، یکدست نیست و دایما در حدّ وسطی از نثر مصنوع و مرسل در نوسان است. بدین معنی که وی در مقدمه زیبای کتاب و حله ها از نثر فنی و مصنوع که مبتنی بر: استشهاد به آیات، احادیث، امثال، ابیات عربی و فارسی، کاربرد صنایع مختلف لفظی و معنوی، کاربرد واژه های غریب و مهجور و اصطلاحات مختلف علوم است استفاده میکند. اما آنجاییکه در مقام توضیح مطلب و اصطلاحات بر می آید از نثر ساده، روان، پیراسته از آرایشهای سخن و در عین حال استادانه استفاده میکند و البته در اینگونه مواقع بنا بر بیان مقصود منحصر میشود. نگارنده در این بخش از مقاله بحث محتوایی و سبکی را تحت سه عنوان کلی: ادبی، زبانی و فکری ارائه خواهد نمود:

۱. محور ادبی:

در محور ادبی ابتدا به محسنات لفظی و معنوی (بدیع) و شیوه های ادای معنای واحد بطرق مختلف (بیان) موجود در کتاب حلال مطرز در فن معما و لغز پرداخته خواهد شد.

« بدیع ، مجموعه شگردهایی است که کلام عادی را کم و بیش تبدیل به کلام ادبی میکند و یا کلام

ادبی را به سطح والاتری تعالی میبخشد.» (نگاهی تازه به بدیع ، شمیسا ، ۱۱)

۱. سجع : شرف الدین در حلال بفرآوانی از سجع (چه در سطح کلمه و چه در سطح کلام) استفاده کرده است. که جهت نمونه مثالهایی ذکر میشود.

الف : سجع متوازی :

نموده می شود که باعث بر تحریر این سطور و تسطیر این زبور؛ داعیه تدوین فن معماست. (۱)

ب: سجع مطرف :

سکان جبال و رساتیق تا ارباب مکاشفات و اهل تحقیق از فواید آن تسکین غله طلب توانند نمود(۲)

ج: سجع متوازن :

آگاهانیدن خلائق از دقایق حقایق الهی و لطایف معارف ربانی (۲)

د: موازنه :

یکی دولت سرای ملت آراست یکی شد کار ملک از عدل او راست (۶)

ه : ترصیع :

به کمال این قوت ؛ از درکات سافله حیوانی ترقی نمایند و به درجات عالیۀ ملکی رسند(۳۲)

۲. جناس : این آرایه نیز در این کتاب بهره بسیاری را بخود اختصاص داده است که برای نمونه

تعدادی از انواع آن ذکر میشود :

الف : جناس تام :

مرا روزی که روزی شد وصالی شمار صبح تا کردم مساکشت (۱۲۷)

ب : جناس زائد :

کمند انظار نظار بر کنگره ادراک آن نمی افتد(۱۴) اگر عشر عشیر آن به طریق نقل از افواه استماع

رفتی(۶) که هست زهره زهرا عدیل ام مسیح(۲۴۴)

ج: جناس قلب :

اگر از برای تحصیل مادۀ اسم نجم لفظ سپر ذکر کنند و مجن خواهند (۱۷۵)

د : جناس مضارع :

اگر گامی نهد بر دیده با هم همینم بس دگر کامی نخواهم (۱۱۵)

ه : جناس اشتقاق :

از شاه راه افواه و دهنه دهان مالکان کشور بیان و تقریر روی به صوب صماخ اهل خطاب و بلاغ می

نهند(۸)

ز: جناس خط:

رایت خاقان چو گردد مرتفع ناقص ناقض شود زو مندفع (۱۱۹)
ح: جناس لفظ: به خواندن و دانستن تصانیف و توالیف ایشان توسل نمودند و توصل جستند (۳)
مراعات نظیر:

یوسف رخی طلب کن کزدولت عزیزی در مصر هر محلی از نو فزود چیزی (۱۰۸)
حسن تعلیل:

زلف تو نشاید که عذارت سایید کز پهلوی آن رسن قصب فرساید (۱۵۵)
اغراق:

جوی اشک من ز حد بگذشت و میترسم شود شط محیط مرکز گیلان که ریزان قطره هاست
(۱۰۹)

ایهام تناسب:

شرف سر بر سر کویش چو کردی از سر رغبت هلا آشفته بازلفش برآمیز اربود فرصت (۷۴)
طباق:

به نور دانش باطن و ظاهر و علائن و سرائر هر غایب و حاضر و مستور و ساتر کما ینبغی به ظهور می
پیوندد (۳۴)

پارادوکس:

داریم زدولت غمت شادی ها (۱۶۱) / با درد تو شرف زدوا گشت بی نیاز (۱۴۲)

حسن آمیزی:

از نسایم ازهار نفس بزرگوارش مرده چندین ساله، بوی زندگی شنید و آگاه گشت (۵۵)
لف و نشر:

شیوع فن سحر و صناعت طب و فضیلت فصاحت و بلاغت پیش از ظهور معجزه کلیم و مسیح و خاتم
صلی الله علیهم و علی جمیع الانبیاء و المرسلین؛ واقف لبیب را صدق این تشبیب روشن گردد (۴)
جمع:

صبا و بنده دو دل داده ایم پیوسته به بوی زلف تو خود را به یکدگر بسته
(۱۰۲)

تفریق:

خوبان ستارگان سپهر ملاححت اند ماهست در میانه ایشان نگار من. (۱۷۸)

جمع و تقسیم:

قامت ار شرح می دهم متنی است جزوی از سرو و جزوی از شمشاد (۹۱)

تنسيق صفات :

آن سرو قد لاله رخ موی میان
چون نام خود و رقیب می کرد بیان (۸۳)
تجرید (خطاب نفس) :

انصاف بده شرف به این شیرینی
کس در عالم نشانی از نامی داد؟ (۷۸)
ارسال المثل :

برخی ابیات شرف الدین علی را میتوان در شمار امثال پنداشت که بذکر دو نمونه اکتفا میشود:
ممسک ارنیز بود راست ندارندش دوست
ورسخی قلب بود تاج کرم بر سراوست (۱۴۲)

در حضرت صیرفی چه حاجت به سخن
از رنگ محک عیار دینار پیرس. (۱۲۳)
براعت استهلال :

بعد از تیمن و اعتصام به ذکر خجسته فرجام علامی که نوآموز مکتب تعلیمش چون در محفل ملا
اعلی حل معما کرده با قامت انباء اسما قیام نمود؛ کهن عابدان صوامع قدس که دم از نحن نسبح
بحمدک و نقدس لک می زدند به سجود او مبادرت جستند. (۱)

تلمیح :

عذرائی که وامق خامه به وعده کشف حجاب او زبان داده بود این است (۲۱۷)
ای شمس چهره ات را ماه تمام درخیل / در شان گیسوی تست گوئی نزول و اللیل (۱۸۹)
قلب :

جناح نجاج گستر در تحت اقدام سعی و اهتمام طالبان حیازت آن فضیلت می گسترانند (۴۵)
طرد و عکس :

گفتم میان میدان با او بود شرف گفت
میدان میان ندارد یا جز میان ندارد (۸۲)
حشو (اعتراض) :

جهان بی سر و بی پا که خاک بر سر آن
تورا به باد عدم بر دهد زبی آبی (۸۲)
کاربرد آیات و احادیث :

شرف الدین علی یزدی در این کتاب بیش از صد و چهارده بار به آیات نورانی قرآن کریم و احادیث
رسول اکرم (ص) استشهاد نموده است. و البته این، از ناحیه وی که یکی از شارحان قصیده برده در
مدح رسول مکرم اسلام است، چندان شگفت بنظر نمیرسد. اینک به چند نمونه از این کاربرد اشاره
میشود:

استشهاد به آیات قرآنی:

در قصه اهل نجران چون آیه کریمه **قل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم و نسائنا و نسائکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنه الله علی الکاذبین** نازل شد از طرف حق پنج فرد حاضر شده اند چنانچه به روایت ثقات به ثبوت پیوسته: حضرت نبی و وصی و زهرا و سبطین علیهم افضل الصلوات و اکمل التحیات (۲۳)

قهرمان قدرت قاهره قدیر علیم و معمار حکمت باهره **لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم** دارالخلافة هیکل انسانی را به صورتی پرداخته که آفرین **فتبارک الله احسن الخالقین** در معرض تحسین آن نازل شده (۲۰)

استشهاد به احادیث نبوی (ص):

آفتاب رسالت خاتمی بعد از همه طالع گشت تا بر وفق **بعثت لأتمم مکارم الاخلاق** منصب تعریف حق و ارشاد عباد و تبیین مناهج خیر و شر و تعلیم مصالح معاش و معاد به آمد اقصی و غایت قصوی رساند (۵۶)

لهذا افضل و اکمل همه علیه افضل الصلوات و اکمل التحیات چون مبعوث بود به کافه آدمی و پری به کرامت **اوتیت جوامع الکلم** اختصاص یافت (۲)

امثال عربی:

امثال از بایسته های نثر فنی هستند و این خصیصه در حلل مطرز به وضوح پیداست. لذا به ذکر یک نمونه از آن مبادرت میشود:

اصول اجناس عالیہ اعراضی که در اقصی نهایت عالم ظهوری واقع شده اند **مصراع: و لیس وراء عبادان قریه** (۲۲)

نکات بیانی:

« بیان علمی است که بواسطه آن شناخته میشود که یک معنی را چگونه بطرق مختلف میتوان ادا کرد . عمده مباحث فن بیان عبارت است از : تشبیه و مجاز و استعاره و کنایه » (معانی و بیان ، همایی ، ۱۳۵).

ادای معنای واحد بطرق مختلف ، در حلل مطرز نیز نمود پیدا کرده است که مثالهایی برای آن ذکر میشود:

مجاز:

دی بر سر کوی دلبر از قلاشی از آب دو دیده کرده ام فراشی / (۸۳)

تشبیه:

دو دروازه گوش را که برج وار بر دو گوشه آن حصار واقع است به قوت سامعه تفویض فرموده تا از بن گوش به ادراک اصوات و دریافتن حروف و کلمات استادگی نماید (۲۱)

آنچه از چشم و زلف مشهور است عین مضموم و لام مکسوراست (۱۸۰)

استعاره :

کامم چو نمی دهد مه مهرگسل ای شده از پسته ات پر زشکر کام جان
گفتم که کنم نشان زنامش حاصل (۷۸) چشم تو بادام دل نام تو آرام جان (۱۶۲)

کنایه :

حضرت شهسوار میدان لافتی علیه السلام (۱۸۹)،
زین دیر خراب هر که آباد برفت با نام نکو و خاطر شاد برفت (۱۸۱)
محور زبانی :

آوردن لغات و ترکیبات عربی :

(غزیره الفوائد) ۳۶، (مبحوث عنه) ۴۷، (حینذ) ۲۳، (رشحات عیون) ۳۴،

آوردن مترادفات :

(عود، رجوع) ۳۶، (معاونت، یاری) ۲۸، (وثوق، اطمینان) ۳۲

استعمال کلمات عربی بجای فارسی معمول :

(ذاهل) ۲۶، (متعطشان) ۲۹، (وصمت) ۳۹، (صدغ) ۱۲۸

ساختن مصدر با یاء مصدری از کلمات عربی :

در ظریفی و معمادانی آن شگرفی که نداری ثانی (۸۹)

کاربرد ضمائر برای غیر ذی روح :

صور کتابی حروف که در طی تراکیب طارئ او می شود (۱۹۳)

حذف فعل :

بقرینه لفظی :

آن را به حسب ظاهر مفهومی باشد که خاص و عام در ادراک آن متشاکر باشند و ذکی و غبی از فهم آن محظوظ و بهره مند (۲)

بقرینه معنوی :

رجاء واثق که از حلیه قبول عاری و عاطل نمانند و الحق حقیق بتحقیق رجاء الاملین (۶۰)

آوردن ادات مفعولی (مر) بر سر مفعول صریح :

مر مرا درشبی که خدمت تو (۶۴)

فعل :

پیشوندی :

لب بر گشود و واستد دندانش از یاقوت دل (۱۹۱)

عبارت فعلی :

شرف از پای درافتاد و ز روی کرمش (۱۱۰)

لازم یک شخصه :

شرمم بادا که راه جنت سپرم (۱۱۸)

فعل مرکب :

تا بوی برده از خوشی و ناخوشی نسیمی که از آن گذار به آن دیار وزد خبر دهد (۲۱)

مطابقت صفت با موصوف در تذکیر و تانیث :

طباع مستقیمه به صحت آن گواهی دهد و اذواق سلیمه از قبول آن ابا ننماید (۱)

بکار بردن ادوات استمرار (همی - می) :

طریق جفر مبارک به پای صدق همی پو (۱۶۹) از برگ درختان آب می چکید (۱۷۲)

کلمه (سخت) در مورد کثرت بصورت قید تاکید :

چون نام سوال کردمش دامن سخت / یگرفت و به ناز گفت: باقی باشی (۸۳)

جمله معترضه در میان اجزای کلام :

از دارالملک شیراز- سینت عن الأفات و الاعواز- در ضمان حفظ و تایید ملک دیان متوجه آذربایجان

شد (۵)

تقدیم و تاخیر در اجزای جمله :

نموده می شود که باعث بر تحریر این سطور و تسطیر این زبور؛ داعیه تدوین فن معماست (۱)

کاربرد فعل وصفی با و بدون (واو) :

عرایس نفایس اباحت اش در طی حجله و دو طراز پیرایه بسته و به جلوه درآمده متعرض حسن

التفات مدارک منتهجان مسالک لطافت و ظرافت می شوند (۶۰)

دوازده فن معتبر از فنون عربیت در سلک انضباط انخراط داده تدوین کردند (۳)

ترکیبات عربی در سیاق عبارت فارسی :

(و لهذا) ۲ ، (علی اختلاف طبقاتهم و تباین درجاتهم) ۲ (ولله الحمد) ۴

آوردن افعال وصفی بجای صفت تفضیلی :

گفتار گهربار هدایت آثارش ظاهرا به لغتی مخصوص بوده از افصح لغات طوائف امم (۲)

اسم نکره :

یکی دریاست از مه تا به ماهی (۱۲۲) هر یکی کعبی پس در مرتبه پانزدهم مثلا پنج کعب باشد (

۲۴۲)

محور فکری :

موضوع کتاب حلال مطرز در فن معما و لغز آنگونه که از عنوان برمی آید ، بیان اصطلاحات و قواعد

دانش معماست که مقبولیت بسیار یافته بود « معما در این دوره از صورت تفنن بیرون آمده بشکل فن

و هنری مستقل درآمد. تنها در فهرست نسخه های خطی منزوی حدود ۲۸۶ رساله در فن معما در سده های هشتم تا دهم ذکر شده است. (معماگویی و فقدان اسطوره گرایی، فتوحی، ۱)، «در این دوره نه تنها ساختن معما رواج قوی داشته بلکه مطالعه و تحقیق و تدوین معمیات نیز معمول بوده است. چنانکه در تذکره ها اشاراتی بکسب و تحصیل فن معما می یابیم.» (شعر فارسی در عهد شاهرخ، یارشاطر، ۲۴۰) لیکن مؤلف نگارش کتاب را بهانه ای برای بیان حقایق و معارفی میدانست که شاید در لباس زیبایی همه پسند آن دوره یعنی معما خوانندگان بیشتری را بخود جذب میکرد: «به اندیشه آن که چون طباع اهل زمان را مزید میلی به این نوع سخن هست شاید که بعضی از اصول حقایق و معارف در آن اثنا باز توان نمود:

کز پی تعلیم کتاب عزیز طفل فریبنده به جـوز و مـویز
و نکته ای چند از خصوصیات ثوابه وقت به بهانه آن سخنان خطابی به سمع قابلیت طالبان توان
رسانید که امثال آن از ممارست برهانیات و احتمال اعباء آن حاصل نگردد.» (۵)
بر این اساس وی مطالب گوناگونی از جمله: بحثهای فلسفی، عرفانی، حسابی، موسیقی، علم اعداد، ادبی، مصطلحات فن معما را در طی بحث مطرح میکند و توضیح میدهد. بجز اشعار فراوان خود که عمدتاً به بدیهه سروده و به دو زبان فارسی و عربی بوده است، از شعرای عرب و فارسی شواهد فراوانی نیز آورده است. وی پس از حمد خداوند و نعت رسول اکرم (ص) چندین بار ممدوح خود را (ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ تیموری) ستایش مینماید. تعابیر بسیار محترمانه او نسبت به پیامبر (ص)، علی (ع) و حضرت زهرا (س) و سبطین (علیهم السلام) بیانگر اعتقاد راسخ او به اهل بیت نبی (ع) است.

نتیجه:

نثر حلال مطرز در فن معما و لغز اثر شرف الدین علی یزدی، بینابین است. یعنی هم رعایت محسنات لفظی و معنوی در مقدمه و ابتدای حله ها و هم سادگی و پیراستگی را در آن میتوان دید. تعهد و التزام وی باعث شده تا بیش از صد و چهارده بار از آیات نورانی قرآن کریم و احادیث نبوی (ص) استفاده نماید. وی از رجال فاضل و دایره المعارفی بود که در اغلب علوم عصر خود مهارت داشت و این خصیصه در اغلب آثار وی مشهود است. استشهاد به اشعار شعرای فارسی سرای و عربی گوی و سروده های وی به هر دو زبان، همچنین بیان مطالب مهم فلسفی، نجومی، عرفانی، موسیقی، حسابی، معمایی، ادبی، تاریخی خواننده را به وسعت دانش این محیی بزرگ نثر معترف خواهد ساخت. اهمیت این کتاب در این است که در حکم پیشاهنگی بود که اغلب معماگویان و معماسرایان آن دوره و دوره های بعد را به اقتباس از خود واداشت.

فهرست منابع:

۱. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی، رزمجو، حسین، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰

۲. دایع الافکار فی صنایع الاشعار، حسین واعظ کاشفی، ویراسته دکتر کزازی، تهران: مرکز، ۱۳۶۹
۳. اریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله، تهران: فردوس، ۱۳۷۱
۴. اریخ جدید یزد، احمد بن حسین بن علی کاتب، بکوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶
۵. اریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، غیاث الدین بن همام الدین الحسینی المدعوبه: خواندمیر، زیر نظر دکتر دبیرسیاقی، تهران: حیدری، خیام، ۱۳۶۲
۶. تذکره ریاض الشعراء، علیقلی واله داغستانی، تصحیح نصرآبادی، سیدمحسن ناجی، تهران: اساطیر، ۱۳۸۴
۷. تذکره ریاض العارفین، هدایت، رضاقلیخان، تصحیح رادفر، اشیدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۸
۸. تذکره الشعراء دولت‌شاه سمرقندی، تصحیح ادوارد براون، تهران: اساطیر، ۱۳۸۲
۹. تذکره مجالس النفاثین، نوایی، میرنظام الدین علیشیر، باهتمام علی اصغر حکمت، تهران: منوچهری، ۱۳۶۲
۱۰. تذکره نصرآبادی، محمدطاهر نصرآبادی، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر، ۱۳۷۸
۱۱. تذکره هفت اقلیم، امین احمد رازی، تصحیح سیدمحمد رضا طاهری، تهران: سروش، ۱۳۷۸
۱۲. جامع مفیدی، محمد مفید مستوفی بافقی، بکوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات کتابفروشی اسدی، ۱۳۴۰
۱۳. حلال مطرز در فن معما و لغز، شرف الدین علی یزدی، نسخه خطی کتابخانه آیه الله مرعشی، (مر ۱) شماره ۹۲۳۲
۱۴. حلیه حلل، نورالدین عبدالرحمان جامی، باهتمام نجیب مایل هروی، مشهد: نشر نوید، ۱۳۶۱
۱۵. سبک‌شناسی، محمدتقی بهار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۰
۱۶. شعر فارسی در عهد شاهرخ، یارشاطر، احسان، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
۱۷. ظفرنامه، شرف الدین علی یزدی، تصحیح نوایی، میرمحمدصادق، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷
۱۸. گزیده ای از نثرهای مصنوع و مزین، حاکمی، اسماعیل، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۸
۱۹. مجالس العشاق، امیرکمال الدین حسین گازرگاهی، بکوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: زرین، ۱۳۷۶
۲۰. معانی و بیان، همایی، جلال الدین، تهران: نشرهما، ۱۳۷۳
۲۱. معماگویی و فقدان اسطوره‌گرایی در شعر عصر صفوی، فتوحی، محمود، مقاله، تهران: کتاب ماه ادبیات و فلسفه، شماره ۳۲، ۱۳۷۹
۲۲. منظومات شرف الدین علی یزدی، بکوشش ایرج افشار، تهران: ثریا، ۱۳۸۶
۲۳. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، تهران: فردوس، ۱۳۷۳

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله